

شیادی زیر لوای نام مرحوم حسابی

زمانی که قرار بود از مرحوم حسابی تجلیل شود، زمانی که قرار بود از سناتور انتصابی محمدرضا شاه ولی بنیان‌گذار فیزیک دانشگاهی ایران تجلیل شود، زمانی که تهدیدها علیه انجمن فیزیک ایران و شخص من (رئیس وقت انجمن فیزیک ایران) به مدت چهارماه تا کنفرانس فیزیک ایران در شیراز در شهریورماه ۱۳۶۶ ادامه داشت، زمانی که نمایندگان حراست دانشگاه شیراز بنده را تهدید کردند که حق ندارید نام حسابی را در این کنفرانس ببرید، و زمانی که جناب آقای دکتر حداد عادل با جسارت در بزرگداشت آن مرحوم سخنرانی کردند کسی فکر نمی‌کرد یک قدردانی ساده باعث این همه دردسر ملی و شرمساری اهل علم ایران بشود.

از حسابی بنیان‌گذار فیزیک دانشگاهی ایران، که نظریه‌ای غلط و بی‌ربط در مورد ماده نوشت، و با پرداخت دویست دلار «اولین مرد علمی سال» تقلبی ایرانش کردند، از حسابی که تنها ده دقیقه در یکی از زمان‌های دیدار عمومی انیشتین با وی صحبت کرده بود، اکنون امامزاده‌ای ساخته‌اند، سیدی و عارفی حافظ قرآن و دانشمندی در قد و قواره نیوتون و انیشتین (به کتب درسی مراجعه کنید)، فرهیخته‌ای که در یک مراسم نوروزی انیشتین، شروودینگر، فرمی، دیراک، و بور را در منزلش دعوت می‌کند، و این دانشمندان را مسحور تمدن (تخیلی) ایران و آیین‌های ملی ما می‌کند.

اخیراً مشتی دروغ و اکاذیب که در کنار عکسی از انیشتین با شخصی که ادعا شده است مرحوم حسابی است در رسانه‌ها چاپ شده یا منعکس شده است. این اکاذیب به نام خاطرات ایرج حسابی، فرزند آن مرحوم، به چاپ رسیده است. شخصی که در عکس کنار انیشتین ایستاده است گودل (ریاضی‌دان مشهور) است و نه حسابی! شیادی تا به این حد! در توضیحات زیر عکس ادعا شده است انیشتین همراه با خواهرش در مراسم نوروز شرکت کرده است. مراجعه به تاریخ نشان می‌دهد که خواهر انیشتین تنها در سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۶ در پرینستون بوده است. در این سال‌ها نه حسابی در پرینستون بوده است نه بور، نه فرمی، نه شروودینگر، و نه دیراک. یعنی جامعه ما تا این حد زبون و پست شده است که برای قهرمان‌سازی به منظور رفع عقده‌های حقارت تا به این حد به دروغ نیاز دارد؟ کجاست شرف حرفه‌ای رسانه‌های ما که به این سهولت گول دروغ‌پردازان را می‌خورد!

مرحوم حسابی زمانی مقاله‌ای می‌فرستد برای مجله‌ای در پاریس در مورد آنچه کتب درسی مدارس ما، یا برپاکنندگان کتبیبه‌ای در دانشگاه اصفهان، آن را نظریه‌ای بسیار عمیق و برتر از نظریه‌های انیشتین تلقی کرده‌اند. بنابه اسناد تاریخی این مقاله برای داوری به استاد سینج (Synge)، نسبت‌دان معروف داده می‌شود. داور متوجه می‌شود که حسابی حتی در محاسبه یک پتانسیل ساده کروی اشتباه کرده است، محاسبه‌ای که دانشجویان کارشناسی ما به سهولت انجام می‌دهند. به این ترتیب مقاله برای چاپ پذیرفته نمی‌شود.

ما تا کی می‌خواهیم به این شرمندگی ادامه دهیم؟ تا کی رسانه‌های ما می‌خواهند به این خفت رسانه‌ای ادامه دهند؟ تا کی دانشگاه اصفهان می‌خواهد این سند بی‌سوادی ما را در آن دانشگاه حفظ کند و کتبیبه‌ها را برنچیند؟ تا کی آموزش و پرورش ما می‌خواهد چندین نسل از بچه‌های بی‌گناه ما را با این دروغ‌پردازی‌ها در مورد حسابی منحرف کند و نسل‌های بعدی را از مسیر سالم رشد علمی و توسعه باز بدارد؟ با شیادی نمی‌توان عالم و دانشمند ساخت! قهرمان علمی کم از قهرمان جنگ ندارد و پیروزی در علم تنها با کار مستمر و ممارست فراوان حاصل می‌شود.

از انسان‌های ساده زحمت‌کش و دوست‌دار ایران بت نسازیم و نسل‌ها را با دروغ تباه نکنیم!

رضا منصوری